

ابعاد امتحانات و ابتلائات الهی از منظر قرآن

علی اکبر عالمیان

اشاره:

نوشتار حاضر به ابعاد و شاخصه‌های امتحانات و ابتلائات الهی از منظر قرآن پرداخته و راه‌های توفیق در این بزرگه مهم را بررسی کرده است.



بررسی اصطلاح امتحان و ابتلاء در قرآن

با نگاهی به آیات الهی کلمه «ابتلاء» ۳۷ بار در قرآن کریم به کار رفته است. مشتقات واژه امتحان نیز دو مرتبه آمده است. ۱. امتحان در اصل به معنی ذوب کردن طلا و گرفتن ناخالصی آن است، ولی در اصل در معنی آزمایش به کار رفته است. مفاهیم مترادف با این دو اصطلاح عبارتند از:

۱. فتنه: به معنای آزمایش است. کلمه «فتنه» همان مفهوم امتحان و آزمایش را دارد. در اصل به معنی قرار دادن طلا در کوره است که آزمایشی برای تصفیه از ناخالصی‌ها می‌باشد. پس فتنه، امتحان و آزمایشی است که برای آزمودن میزان اخلاص انسان‌ها انجام می‌گیرد.

۲. تمحیص: تمحیص به معنی خالص شدن چیزی است از عیبی که در آن هست. تمحیص یعنی تطهیر، پاک شدن و عاری شدن از عیب. خداوند در آیه ۱۴۱ آل عمران می‌فرماید: **وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ**. و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد.

نقش انسان‌ها در ابتلائات

نقش انسان‌ها در ابتلائات، بسیار محوری می‌باشد. آیات الهی بر این نقش تاکید کرده و به آن اشاره کرده است:

۱. **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ**.^۲ فساد در خشکی و دریا به خاطر اعمالی که مردم انجام داده اند آشکار شده، خدا می‌خواهد نتیجه‌ی بعضی از اعمال آن‌ها را به آن‌ها بچشاند، شاید بازگردند.

۲. **وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهِمْ مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ**.^۳ و اگر خداوند مردم را به خاطر ظلمشان مجازات کند، جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذارد، ولی آن‌ها را تا زمان معین به تأخیر می‌اندازد، اما هنگامی که اجلسان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می‌کنند و نه ساعتی پیش می‌گیرند.

۳. **وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا**

عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.^۴ اگر اهل قریه‌ها ایمان بیاورند و تقوا داشته باشند، هر آینه ما برکات را از آسمان و زمین بر آن‌ها گشایش می‌دهیم. و لکن آن‌ها تکذیب کردند و آن‌ها را به وسیله‌ی آن چه که انجام دادند گرفتیم.

۴. **فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ**.^۵ خداوند آن‌ها را به خاطر کیفر گناهانشان مجازات کرد و خدا بدکاران هر امت را سخت به کیفر رساند.

۵. **وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ**. هر مصیبتی به شما رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند.

۶. **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**.^۶ خداوند سرنوشت هیچ جمعیتی را تغییر نمی‌دهد، مگر این که خویششان را تغییر دهند.

ویژگی‌های امتحان الهی

امتحانات و ابتلائات الهی دارای ویژگی‌هایی نظیر: همگانی بودن، همیشگی بودن، فراگیری زمانی و مکانی، تعدد، ملاحظه حال امتحان شونده و گستردگی عوامل ابتلاء و حتمی و غیر قابل نسخ بودن می‌باشد.

۱. همگانی بودن: **أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْتَغُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ**.^۸ آیا مردم گمان کردند به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند.

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ.^۹ ما انسان را از نطفه‌ی مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم.

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ.^{۱۰} آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید.

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا.^{۱۱} در آن جا مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.

۲. همیشگی بودن: **أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ**.^{۱۲} آیا نمی‌بینند که آنان در هر سال یک یا دو بار آزموده می‌شوند باز هم توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند.

۳. فراگیری زمانی و مکانی: **وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ**

امتحانات و ابتلائات الهی

دارای ویژگی‌هایی نظیر:

همگانی بودن، همیشگی بودن،

فراگیری زمانی و مکانی، تعدد،

ملاحظه حال امتحان شونده

و گستردگی عوامل ابتلاء و

حتمی و غیر قابل نسخ بودن

می‌باشد.

فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ.^{۱۳} ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم.....

۴. تعدد و گستردگی عوامل ابتلاء: وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ.^{۱۴} او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد تا شما را به وسیله آن چه در اختیارتان قرار داده بیازماید.

وَلِيُبْلُوَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالْمَرْزَاتِ.^{۱۵} قطعاً همه‌ی شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم.

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.^{۱۶} ما آن چه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم کدامینشان بهتر عمل می‌کنند.

۵. حتمی و غیرقابل نسخ بودن: إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ.^{۱۷} آن‌گاه که (از مادر دور افتادی) خواهرت (در پی تو) روان بود (تا تو را نزد فرعونیان یافت) و می‌گفت: می‌خواهید یکی را که (شیر و تربیت) این طفل را تکفل کند به شما معرفی کنم؟ پس ما (بدین وسیله) تو را به مادرت برگردانیدیم تا به دیدار تو دیده‌اش روشن گردد و دیگر اندوه نخورد. و (باز منت دیگر آن‌که) یک نفر (از فرعونیان) را کشتی و ما از غم آن نیز تو را نجات دادیم و بارها تو را به امتحان و ابتلای سخت بیازمودیم، پس چند سالی در میان مردم مدین زیستی تا آن‌که حال ای موسی به موقع آمدی (تا به مقام نبوت برسی).
۶. ملاحظه حال امتحان شونده(نهی تکلیف مالا یطاق): لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا.^{۱۸} خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند.

اهداف و فلسفه امتحان الهی

در مورد اهداف و فلسفه امتحان الهی می‌توان با توجه به آیات قرآن به موارد گوناگونی اشاره کرد. اهدافی نظیر: فلسفه خلقت، خالص کردن دل‌ها، مشخص شدن بهترین عمل، بازگشت به حق، تربیت و تهذیب انسان، تذکر و تنبیه، بازگشت به سوی خدا، هشدار جدی به انسان‌ها، آزمایش میزان استقامت و صبر، کفاره‌ی گناهان دنیوی، تذکر و تنبیه، افزایش ایمان و پیدایش یقین، دستیابی به تقوای الهی، اصلاح امور و رفع فسادها، تمییز بدکاران از نیکوکاران، تمییز مجاهدان واقعی از صابرین، تمییز مؤمن از کافر، تمییز راستگو از دروغگو، تمییز حق از باطل، تمییز خداترس از غیرخداترس و تمییز پاک از ناپاک از جمله این اهداف می‌باشند.

۱. فلسفه خلقت: وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ.^{۱۹} ما آسمان و زمین، و آن چه را در میان آن‌هاست از روی بازی نیافریدیم أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ.^{۲۰} آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم، و بسوی ما باز نمی‌گردید؟ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَلُمٌ الَّذِينَ كَفَرُوا.....^{۲۱}

ما آسمان و زمین و آن چه را میان آن‌هاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛ وای بر کافران از آتش (دوزخ)!

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ.^{۲۲} ما آسمان‌ها و زمین و آن چه را که در میان این دو است به بازی (بی‌هدف) نیافریده‌ایم.

۲. خالص کردن دل‌ها: مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ.^{۲۳} این‌ها برای این است که خداوند، آن چه در سینه‌هایتان پنهان دارید، بیازماید؛ و آن چه را در دل‌های شما (از ایمان) است، خالص گرداند؛ و خداوند از آن چه در درون سینه‌هاست، با خبر است.

۳. مشخص شدن بهترین عمل: الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ.^{۲۴} او همان کسی است که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک بهتر عمل می‌کنید. «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.»^{۲۵} ما آن چه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم کدامینشان بهتر عمل می‌کنند.

۴. بازگشت به حق: وَقَطَعْنَا لَهُمُ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ ذُنُوبٌ ذَلِكَ وَبَلَّوْنَاَهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.^{۲۶} و آن‌ها را (قوم بنی اسرائیل) در زمین به صورت گروهی پراکنده ساختیم، گروهی از آنان صالح و گروهی غیر آن هستند و آن‌ها را به نیکی و بدی آزمودیم شاید بازگردند.

۵. تربیت و تهذیب انسان: وَ لِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ.^{۲۷} و تا خداوند آن چه را که در سینه‌های شماست بیازماید و آن چه در دل‌های شماست مصفا سازد و خداوند از آن چه که در سینه‌هاست آگاه است.
۶. تذکر و تنبیه: وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ.^{۲۸} و در هیچ قریه‌ای پیامبری نفرستادیم مگر آن که مردم آن را به سختی و بیماری دچار کردیم شاید تضرع کنند و تسلیم شوند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاَهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ.^{۲۹} ما به امت‌هایی که پیش از تو بودند پیامبرانی فرستادیم و آن‌ها را با سختی و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم شاید متضرع شوند. وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ.^{۳۰} ما آل فرعون را دچار قحطی و کمبود محصول کردیم تا متذکر شوند.
۷. بازگشت به سوی خدا(توبه): وَبَلَّوْنَاَهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.^{۳۱} و آن‌ها را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید باز گردند. أُولَٰئِكَ يَرْوُونَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ.^{۳۲} آیا آن‌ها نمی‌بینند که در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می‌شوند! باز توبه نمی‌کنند، و متذکر هم نمی‌گردند.

... وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَحَزَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ. فَفَعَّرْنَا لَهُ ذَلِكَ.^{۳۳} داوود دانست که ما او را (با این ماجرا آزموده‌ایم، از این‌رو از پروردگارش طلب آموزش نمود به سجده افتاد و توبه کرد. ما این عمل را بر او بخشیدیم.

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَالْقَيْنَا عَلَىٰ كَرْسِيٍّ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ.....^{۳۴} ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم، سپس او به درگاه خداوند



توبه کرد.

۸. هشدار جدی به انسان‌ها: إِذْ جَاؤُوكُمْ مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا. هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا.^{۳۵} (به خاطر بیابورید) زمانی را که آن‌ها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به لب رسیده بود، و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌پردید. آن‌جا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.

۹. آزمایش میزان استقامت و صبر: وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ...^{۳۶} و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قرار دادیم، آیا صبر و شکیبایی می‌کنید (و از عهده‌ی امتحان برمی‌آیید)؟!.

۱۰. کفاره‌ی گناهان دنیوی: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ. أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ. أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ.^{۳۷} و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. آیا اهل این آبادی‌ها، از این ایمنند که عذاب ما شبانه به سراغ آن‌ها بیاید در حالی که در خواب باشند؟! آیا اهل این آبادی‌ها، از این ایمنند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟! آیا آن‌ها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند!

۱۱. تذکر و تنبیه: أَوْلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ.^{۳۸} آیا آن‌ها نمی‌بینند که در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می‌شوند؟! باز توبه نمی‌کنند، و متذکر هم نمی‌گردند!

۱۲. افزایش ایمان و پیدایش یقین: وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عَدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلنَّاسِ.^{۳۹} و ما مأموران آتش را جز فرشتگان نکردیم و شمار آن‌ها را (در این تعداد) جز آزمایشی برای کسانی که کفر ورزیده اند قرار ندادیم، تا آنان که به آن‌ها کتاب داده شده (یهود و نصاری) به خاطر مطابقت قرآن با کتابشان (یقین کنند، و مؤمنان نیز بر ایمان‌شان افزوده گردد و اهل

کتاب و مؤمنان شک نکنند، و از طرفی کسانی که در دل‌هایشان مرض (شک) است و نیز کافران گویند: خداوند از این (توصیف عدد مأموران دوزخ) چه مثلی اراده نمود؟ (آیا می‌شود فقط نوزده نفر محیط پهناور دوزخیان بی‌شمار را اداره کنند؟! این گونه خداوند هر که را بخواهد (پس از اتمام حجت و عدم پذیرش) در گمراهی رها می‌کند، و هر که را بخواهد (پس از پذیرش دین به کمالات دیگر) هدایت می‌نماید. و (شمار) سپاهیان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند، و این (آیات قرآنی) جز وسیله تذکر برای بشر نیست.

۱۳. دست‌یابی به تقوای الهی

إِنَّ الَّذِينَ يُغْضُونَ أَعْيُنَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ.^{۴۰} آن‌ها که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه می‌کنند همان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است!

۱۴. اصلاح امور و رفع فسادها

وَقَطَعْنَا لَهُم فِي الْأَرْضِ مِمَّا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَّغْنَاَهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.^{۴۱} و آن‌ها را در زمین به صورت گروه‌هایی، پراکنده ساختیم؛ گروهی از آن‌ها صالح، و گروهی ناصالحند. و آن‌ها را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید بازگردند.

۱۵. تمییز بدکاران از نیکوکاران

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.^{۴۲} اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدامیک نیکوکارترید.

در مورد اهداف و فلسفه امتحان

الهی می‌توان با توجه به آیات

قرآن به موارد گوناگونی اشاره

کرد. اهدافی نظیر: فلسفه خلقت،

خالص کردن دل‌ها، مشخص

شدن بهترین عمل، بازگشت به

حق، تربیت و تهذیب انسان، تذکر

و تنبیه، بازگشت به سوی خدا،

هشدار جدی به انسان‌ها، آزمایش

میزان استقامت و صبر، کفاره‌ی

گناهان دنیوی، تذکر و تنبیه،

افزایش ایمان و پیدایش یقین،

دست‌یابی به تقوای الهی، اصلاح

امور و رفع فسادها، تمییز بدکاران

از نیکوکاران، تمییز مجاهدان

واقعی از صابرن، تمییز مؤمن از

کافر، تمییز راستگوار از دروغگو، تمییز

حق از باطل، تمییز خداترس از

غیر خداترس و تمییز پاک از ناپاک

از جمله این اهداف می‌باشند.



۱۶. تمییز مجاهدان واقعی از صابرين
وَلْيَبْلُغُوا حَتَّىٰ تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُغُوا أَعْبَارَكُمْ. ۳۳ ما همه‌ی شما را قطعاً آزمایش می‌کنیم تا معلوم شود، مجاهدان واقعی و صابرين از میان شما کیانند و اخبار شما را بیازماییم.»

۱۷. تمییز راستگو از دروغگو
(وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ. ۳۴)
ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزموده‌ایم. باید علم خدا در مورد کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد.»

۱۸. تمییز مومنین از کافر
وَلِيَمْحَضَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ. ۳۵ و تا خداوند، افراد باایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند)؛ و کافران را به تدریج نابود سازد.

۱۹. تمییز حق از باطل
أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَخْذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةَ اللَّهِ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. ۳۶ آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می‌شوید در حالی که هنوز کسانی که از شما جهاد کردند، و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب نمودند، (از دیگران) مشخص نشده‌اند؟! (باید آزمون شوید؛ و صفوف از هم جدا گردند) و خداوند به آن چه عمل می‌کنید، آگاه است.

۲۰. تمییز حق شناس و ناحق شناس
قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَالشُّكْرُ أَمْ الْكُفْرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌ كَرِيمٌ. ۳۷ (اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آن که چشم بر هم‌زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند؛ و هر کس کفران نماید (بزیان خویش نموده است، که) پروردگار من، غنی و کریم است!»

۲۱. تمییز خداترس از غیر خداترس
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَبْلُغَنَّ اللَّهُ لَكُمْ بَشِيرًا مِنَ الصَّيْدِ تَأْتِيهِمْ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ. ۳۸
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خداوند شما را به چیزی از شکار که (به نزدیکی شما می‌آید، بطوری که) دست‌ها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد، می‌آزماید؛ تا معلوم شود چه کسی باایمان به غیب، از خدا می‌ترسد؛ و هر کس بعد از آن تجاوز کند، مجازات دردناکی خواهد داشت.

۲۲. تمییز پاک از ناپاک
مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمُونَا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ. ۳۹
خداوند، مؤمنان را به همان‌گونه که شما هستید واگذارند؛ مگر آن که ناپاک را از پاک جدا سازد. و نیز چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید؛ این بر خلاف سنت الهی است)؛ ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد

برمی‌گزیند؛ (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می‌گذارد.) پس (اکنون که این جهان، بوته آزمایش پاک و ناپاک است)، به خدا و رسولان او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای شماست.

ابزارهای آزمایش

در مورد مصادیق ابزارهای آزمایش و امتحان در قرآن، می‌توان به سه مسئله اشاره کرد. اول این که خداوند یک ابزار عمومی دارد که همگان را شامل می‌شود. مسئله دوم ابزارهای خاص است نظیر: خلقت، بدی‌ها و خوبی‌ها، نعمت‌ها، فقر و غنا، جان‌ها، ترس و گرسنگی، عبرت برای دیگران، عذاب و تنبیه، جهاد، عهد و پیمان، اموال و فرزندان، عدم‌وسعت در مال و زینت زمین. دسته دیگر نظیر: شتر صالح، گوساله سامری، صید، جوی آب و قربانی فرزند، ابزارهای گوناگون دیگری است که خداوند با مثال زدن آنان، مسئله امتحان را مطرح می‌فرماید.

۱. ابزار آزمایش عمومی

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكَ خَلَقَ الْأَرْضَ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ. ۵۰
کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آن چه در اختیارتان قرار داده بیازماید؛ به یقین پروردگار تو سریع‌العقاب و آمرزنده مهربان است. (کیفر کسانی را که از بوته امتحان نادرست درآیند، زود می‌دهد؛ و نسبت به حق پویان مهربان است.)
إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوكُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا. ۵۱
آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آن‌ها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند!

۲. ابزار آزمایش خاص

۲.۱. خلقت: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ. ۵۲
او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت (به خاطر این آفرید) تا شما را بیازماید.

۲.۲. بدی‌ها و خوبی‌ها: وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً. ۵۳
و ما شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم.

۲.۳. نعمت‌ها: وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ. ۵۴
و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم میفکن، این‌ها شکوفه‌های زندگی دنیا است تا آنان را در آن بیازماییم.

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا نُوْمًا إِذَا حَوْلَتُهُ نِعْمَةٌ مِمَّا قَالِ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. ۵۵
هنگامی که انسان را زبانی رسد ما را (برای حل مشکلش) می‌خواند، سپس هنگامی که از جانب خود به او نعمتی دهیم، می‌گوید: «این نعمت را به خاطر کاردانی خودم به من داده‌اند» ولی این وسیله‌ی آزمایش (آن‌ها) است، اما بیشترشان نمی‌دانند.

۲.۴. فقر و غنا: وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ. ۵۶
و این چنین بعضی از آن‌ها را با



بعض دیگر آزمودیم (توانگران را بوسیله فقیران)؛ تا بگویند: آیا این‌ها هستند که خداوند از میان ما (برگزیده، و) بر آن‌ها منت گذارده (و نعمت ایمان بخشیده است؟! «آیا خداوند، شاکران را بهتر نمی‌شناسد؟!)

۲.۵. جان‌ها: لَنْبُلُوَنَّ فِيْ اَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ وَلَسَمِعَنَّ مِنَ الدِّينِ اَوْتُوْا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ ...^{۵۷} قطعا در مال‌ها و جان‌هایتان آزموده خواهید شد و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده...

۲.۶. ترس و گرسنگی: وَلَنْبُلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْاَمْوَالِ وَالْاَنْفُسِ وَ السَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِيْنَ.^{۵۸} قطعا همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان.

۲.۷. عبرت برای دیگران: رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ.^{۵۹} پروردگارا ما را وسیله آزمایش [و آماج آزار] برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان و بر ما ببخشای که تو خود توانای سنجیده‌کاری.

۲.۸. عذاب و تنبیه: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُوْلُ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ فَاِذَا اُوْدِيَ فِيْ اللّٰهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِّلنَّاسِ كَعَذَابِ اللّٰهِ وَلٰئِن جَاء نَصْرٌ مِّنَ رَبِّكَ لَيَقُوْلُنَّ اِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ اَوْلٰىسَ اللّٰهُ بِاَعْلَمَ بِمَا فِيْ صُدُوْرِ الْعٰلَمِيْنَ.^{۶۰} از میان مردم کسانی‌اند که می‌گویند به خدا ایمان آورده‌ایم و چون در [راه] خدا آزار کشند آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می‌دهند و اگر از جانب پروردگارت پیروزی رسد حتما خواهند گفت ما با شما بودیم آیا خدا به آن‌چه در دل‌های جهانیان است داناتر نیست.

۲.۹. جهاد: وَلَنْبُلُوَنَّكُمْ حَتّٰى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِيْنَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِيْنَ وَنَبْلُوْا اٰخِيَارَكُمْ.^{۶۱} شما را با جنگ و قتال می‌آزماییم تا مجاهدان از شما و صاحبان صبر و استقامت را تشخیص دهیم و اخبارتان را وارسی کنیم.

۲.۱۰. عهد و پیمان: وَاَوْفُوا بِعَهْدِ اللّٰهِ اِذَا عٰهَدْتُمْ وَاَلَّا تَنْقُضُوْا الْاَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللّٰهَ عَلَيْكُمْ كَفِيْلًا اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُوْنَ. وَاَلَّا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ اَنْكٰثًا تَتَخَذُوْنَ اَيْمَانَكُمْ دَخٰلًا بَيْنَكُمْ اَنْ تَكُوْنَ اُمَّةٌ هِيَ اَرْبٰى مِنْ اُمَّةٍ اِنَّمَا يَبْلُوْكُمْ اللّٰهُ بِهٖ وَلِيَبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَا كُنْتُمْ فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ.^{۶۲} و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده‌اید، به یقین خداوند از آن‌چه انجام می‌دهید، آگاه است! همانند آن زن (سبک مغز) نباشید که پشم‌های تابیده خود را، پس از استحکام، وامی‌تابید! در حالی که (سوگند و پیمان) خود را وسیله خیانت و فساد قرار می‌دهید؛ بخاطر این‌که گروهی، جمعیتشان از گروه دیگر بیشتر است (و کثرت دشمن را بهانه‌ای برای شکستن بیعت با پیامبر می‌شمرد!) خدا فقط شما را با این وسیله آزمایش می‌کند؛ و به یقین روز قیامت،

آن‌چه را در آن اختلاف داشتید، برای شما روشن می‌سازد!
۲.۱۱. اموال و فرزندان: اِنَّمَا اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ. اَمْوَالٌ و فرزندانتان فقط وسیله‌ی آزمایش هستند.
۲.۱۲. عدم وسعت در مال: وَاَمَّا اِذَا مَا ابْتَلٰهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ.^{۶۳} و اما هنگامی که برای امتحان روزیش را برای او تنگ می‌گیرد.

۲.۱۳. زینت زمین: اِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلٰى الْاَرْضِ زِيْنَةً لِّهَا لِيَبْلُوْهُمْ.^{۶۴} ما آن‌چه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم.

ابزارهای گوناگون

شتر صالح: اِنَّا مَرْسِلُوْا النَّاقَةَ فِتْنَةً لِّهٖمْ.^{۶۶} ما (ناقه) را برای آزمایش آن‌ها می‌فرستیم.
گوساله سامری: قَالَ فَاِنَا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَاَصْلَهُمُ السَّامِرِيُّ.^{۶۷} فرمود: ما قوم تو را بعد از تو آزمودیم و سامری آن‌ها را گمراه ساخت.

صید: يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِيَبْلُوَنَّكُمْ اللّٰهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنٰلُهُ اَيْدِيْكُمْ وَ رِمٰحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللّٰهُ مَن يَخَافُهٗ بِالْغَيْبِ فَمَنْ اٰغْتَدٰى؛ بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ اَلِيْمٌ.^{۶۸} ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خداوند شما را به چیزی از شکار که (به نزدیکی شما می‌آید، بطوری که) دست‌ها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد، می‌آزماید؛ تا معلوم شود چه کسی باایمان به غیب، از خدا می‌ترسد؛ و

انسان‌ها در برابر امتحانات و

ابتلائات خداوند چند نوع

و اکنش نشان می‌دهند.

برخی خدا را شکر

می‌کنند؛ برخی نیز کافر و

بی‌ایمان می‌شوند و برخی

دیگر نیز ناامید می‌شوند.

می کند و نعمت می بخشد می گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته! و اما هنگامی که برای امتحان روزی را بر او تنگ بگیرد مأیوس می شود و می گوید پروردگارم مرا خوار کرده!»

عوامل و تدابیر موفقیت در امتحانات

انسان ها برای موفقیت در آزمون الهی به تادبیری نظیر تسلیم، تقوا، ایمان، صبر و استقامت و پاکدامنی اتخاذ کنند:

تسلیم

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ. وَتَأَذِينَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمَ. قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ. إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ.^{۳۳} هنگامی که هر دو تسلیم و آماده شدند و ابراهیم جبین او را به خاک نهاد، او را ندا دادیم که ای ابراهیم! آن چه را در خواب مأموریت یافتی انجام دادی، ما این گونه نیکوکاران را اجر می دهیم. این مسلما امتحان مهم و آشکار بود.

تقوا

لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ.^{۳۴} به یقین (همه شما) در اموال و جان های خود، آزمایش می شوید! و از کسانی که پیش از شما به آن ها کتاب (آسمانی) داده شده (یهود)، و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید! و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است.

ایمان

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.^{۳۵} اگر اهل قریه ها ایمان بیاورند و تقوای الهی را پیشه سازند، ما برکات آسمان ها و زمین را برای آن ها می گشاییم.

پاکدامنی

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصُرَفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ.^{۳۶} و آن زن آهنگ او (یوسف) کرد و او نیز اگر برهان پروردگارش را ندیده بود؛ آهنگ آن زن می کرد. این گونه (کردیم) تا نابکاری و ناشایستی را از او بگردانیم، چرا که از بندگان اخلاص یافته است.

صبر و استقامت

وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ.^{۳۷} و اگر استقامت کنید و تقوای الهی پیشه سازید (شایسته تر) است؛ زیرا این ها از کارهای محکم و قابل اطمینان است. وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا.^{۳۸} و بعضی از شما را وسیله ای امتحان بعضی دیگر قرار دادیم، آیا



هر کس بعد از آن تجاوز کند، مجازات دردناکی خواهد داشت. جوی آب: قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرِ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي.^{۳۹} به آن ها گفت: خداوند شما را به وسیله ای یک نهر آب آزمایش می کند آن ها (که به هنگام تشنگی،) از آن بنوشند، از من نیستند و آن ها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند. قربانی فرزند: إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ.^{۴۰} این مسلما امتحان آشکار است.

واکنش انسان در برابر امتحان الهی

انسان ها در برابر امتحانات و ابتلائات خداوند چند نوع واکنش نشان می دهند. برخی خدا را شکر می کنند؛ برخی نیز کافر و بی ایمان می شوند و برخی دیگر نیز نا امید می شوند: ۱. شکر و حمد الهی: قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ.^{۴۱} (حضرت سلیمان) گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می آورم یا کفران می کنم.

۲. کفر و بی ایمانی: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ.^{۴۲} بعضی از مردم خدا را با زبان می پرستند. همین که دنیا به آن ها رو کند و نفع و خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می کنند، اما اگر مصیبتی به عنوان امتحان (آزمایش) به آن ها برسد، دگرگون می شوند و به کفر روی می آورند و به این ترتیب هم دنیا را از دست داده اند و هم آخرت را و این خسران و زیان آشکاری است.

۳. یاس و نومیدی: فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ. وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ.^{۴۳} اما انسان هنگامی که خداوند او را برای آزمایش اکرام

بعضی از مردم خدا را با زبان

می پرستند. همین که دنیا به

آن ها رو کند و نفع و خیری

به آنان برسد، حالت اطمینان

پیدا می کنند، اما اگر مصیبتی به

عنوان امتحان به آن ها برسد،

دگرگون می شوند و به کفر روی

می آورند و به این ترتیب هم

دنیا را از دست داده اند و هم

آخرت را و این خسران و زیان

آشکاری است.



علل و عوامل نزول عذاب‌های الهی

یکی از مهم‌ترین مباحثی که باید مورد اشاره قرار گیرد، بررسی علل و عوامل نزول عذاب‌های الهی است. با تکیه بر آیات الهی می‌توان به مواردی اشاره کرد:

۱. روی گردانی از یاد خدا: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^{۹۲} و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت.
۲. سرپیچی از فرمان خدا و انبیاء: «وَكَلِّينَ مِنْ قُرْبَيْهِ عَتَّتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَبْنَاهَا عَذَابًا نَكْرًا»^{۹۳} چه بسیار شهرها و آبادی‌ها که اهل آن از فرمان خدا و رسولانش سرپیچی کردند و ما به شدت به حسابشان رسیدیم و به مجازات کم‌نظیری گرفتار ساختیم.
۳. تبدیل و تغییر فرامین الهی: قَبِلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ.^{۹۴} اما ستمگران آن‌ها (بنی‌اسرائیل) این فرمان‌ها را به غیر آن چه به آن‌ها گفته شده بود، تغییر دادند از این رو به خاطر سستی که روا داشتند، بلایی از آسمان بر آن‌ها فرستادیم و (مجازاتشان کردیم).
۴. بی‌اعتنایی به هدایت الهی: سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَّ ءَاتِنَاهُمْ مِنْ آيَةِ بَيْنَتِهِ وَ مَنْ يُدْبِلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.^{۹۵} ای پیامبر! از بنی‌اسرائیل سؤال کن که ما چقدر آیات و ادله روشن بر آن‌ها آوردیم، هر کس پس از آن که نعمت هدایتی که خداوند به او داد آن را به کفر مبدل کند عقاب خدا بر کافران بسیار سخت است.
۵. تکذیب آیات الهی: وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.^{۹۶} و لیکن چون (آیات ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر کردار زشت رسانیدیم.
۶. انکار پیامبران: ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلِّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولًا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ آحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَاطِمُونَ.^{۹۷} آنگاه پیامبرانی پی در پی بر خلق فرستادیم و هر قومی که رسولی بر آن‌ها آمد، آن رسول را تکذیب کردند ما هم آن‌ها را پی یکدیگر همه را هلاک کردیم و مایه‌ی عبرت دیگران ساختیم که قوم بی‌ایمان از رحمت خدا دور باد.
۷. ممانعت از عبادت و خداپرستی مردم: وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.^{۹۸} چه کسی ستمکارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری می‌کنند و سعی در ویرانی آن‌ها دارند؟ شایسته نیست آنان جز با ترس و وحشت وارد این کانون‌های عبادت شوند. بهره‌ی

سامری

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ. قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي. قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا.^{۹۹} [موسی] گفت: ای سامری! سبب کار [بسیار خطرناک] تو چه بود؟ گفت: من به حقایق و اسرار آگاه شدم که آنان آگاه نشدند، پس اندکی از دانش و اسرار رسول را گرفتم و [بر اثر هواپرستی] آن را دور انداختم [و به گوساله‌سازی پرداختم]؛ و این گونه نفس من [آن کار بسیار خطرناک را برای گمراه کردن بنی‌اسرائیل در نظرم آراست. [موسی] گفت: پس [از میان مردم] برو، یقیناً کيفر تو [به خاطر دور انداختن آثار رسالت و ساختن گوساله] در زندگی این است که [دچار بیماری مُسری و ویژه‌ای شوی تا هر کس نزدیکت آید بگویی]: به من دست نزنید؛ و تو را وعده گاهی [از عذاب بسیار سخت قیامت] است که هرگز نسبت به تو از آن تخلف نخواهد شد، و [اکنون] به معبودت که همواره ملازمش بودی نگاه کن که حتماً آن را در آتش بسوزانیم، سپس سوخته‌اش را در دریا می‌پاشیم.

قارون

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ. وَاتَّبَعَ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ. قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا وَ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ.^{۱۰۰} قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد؛ ما آن قدر از گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آوردید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی‌کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد. و در آن چه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد. (قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!» آیا او نمی‌دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد، مجرمان از گناهانشان سؤال نمی‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱. حجرات/۳ و ممتحنه/۱۰
۲. روم/۴۱
۳. نحل/۶۱
۴. اعراف/۹۶
۵. آل عمران/۱۱
۶. شوری/۳۰
۷. رعد/۱۱
۸. عنکبوت/۲
۹. انسان/۲
۱۰. ملک/۲
۱۱. احزاب/۱۱
۱۲. توبه/۱۲۶
۱۳. عنکبوت/۳
۱۴. انعام/۱۶۵
۱۵. بقره/۱۵۵
۱۶. کهف/۷
۱۷. طه/۴۰
۱۸. بقره/۲۸۶
۱۹. انبیاء/۱۶
۲۰. مؤمنون/۱۱۵
۲۱. ص/۳۷
۲۲. دخان/۳۷
۲۳. آل عمران/۱۵۴
۲۴. ملک/۲
۲۵. کهف/۷
۲۶. اعراف/۱۶۸
۲۷. آل عمران/۱۵۴
۲۸. اعراف/۹۴
۲۹. انعام/۴۲
۳۰. اعراف/۱۳۰
۳۱. اعراف/۱۶۸
۳۲. توبه/۱۲۶
۳۳. ص/۲۳-۲۴
۳۴. ص/۳۴
۳۵. احزاب/۱۱-۱۰
۳۶. فرقان/۲۰
۳۷. اعراف/۹۶-۹۹
۳۸. توبه/۱۲۶
۳۹. مدثر/۳۱
۴۰. حجرات/۳
۴۱. اعراف/۱۶۸
۴۲. هود/۷
۴۳. محمد/۳۱
۴۴. عنکبوت/۳
۴۵. آل عمران/۱۴۱
۴۶. توبه/۱۶
۴۷. نمل/۴۰
۴۸. مائده/۹۴
۴۹. آل عمران/۱۷۹
۵۰. انعام/۱۶۵
۵۱. کهف/۷
۵۲. هود/۷
۵۳. انبیاء/۳۵
۵۴. طه/۱۳۱
۵۵. زمر/۴۹
۵۶. انعام/۵۳
۵۷. آل عمران/۱۸۶
۵۸. بقره/۱۵۵
۵۹. ممتحنه/۵
۶۰. عنکبوت/۱۰
۶۱. محمد/۳۱
۶۲. نحل/۹۲ و ۹۱
۶۳. تغابن/۱۵
۶۴. فجر/۱۶
۶۵. کهف/۷
۶۶. قمر/۲۷
۶۷. طه/۸۵
۶۸. مائده/۹۴
۶۹. بقره/۲۴۹
۷۰. صافات/۷۰
۷۱. نمل/۴۰
۷۲. حج/۱۱
۷۳. فجر/۱۵-۱۶
۷۴. صافات/۱۰۳-۱۰۶
۷۵. آل عمران/۱۸۶
۷۶. اعراف/۹۶
۷۷. یوسف/۲۴
۷۸. آل عمران/۱۸۶
۷۹. فرقان/۲۰
۸۰. ص/۳۴
۸۱. طه/۴۰
۸۲. بقره/۱۲۴
۸۳. صافات/۱۱۰-۱۰۲
۸۴. ص/۲۴ و ۲۵
۸۵. ص/۴۴-۴۱
۸۶. صافات/۱۴۸-۱۳۹
۸۷. یوسف/۲۳ و ۲۴
۸۸. بقره/۳۴
۸۹. اعراف/۱۷۵ و ۱۷۶
۹۰. طه/۹۷-۹۵
۹۱. قصص/۷۷-۷۶
۹۲. طه/۱۲۴
۹۳. طلاق/۸
۹۴. اعراف/۱۶۲
۹۵. بقره/۲۱۱
۹۶. اعراف/۹۶
۹۷. مؤمنون/۴۴
۹۸. بقره/۱۱۴
۹۹. احقاف/۲۷
۱۰۰. اعراف/۱۶۵
۱۰۱. یونس/۱۳
۱۰۲. انعام/۶۵
۱۰۳. نور/۱۹
۱۰۴. لیل/۸ الی ۱۰
۱۰۵. نحل/۱۱۲
۱۰۶. نساء/۱۶۰ و ۱۶۱
۱۰۷. نساء/۱۰

آن‌ها در دنیا رسوایی و در سرای دیگر عذاب عظیم است.
 ۸. گناه و عصیان: وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا كُنتُمْ مِنَ الشَّرَى وَ صَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.^{۹۹} ما اقوامی را که در اطراف شما بودند (به جرم گناه و عصیان و کفر) هلاک کردیم و آیات خود را به صورت‌های گوناگون برای آن‌ها بیان نمودیم شاید بازگردند.

۹. سرکشی: فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَبْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِهِ عَذَابٍ بَئِيسٍ بِهِ مَا كَانُوا يُفْسِقُونَ / فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ^{۱۰۰} اما هنگامی که تذکراتی را که به آن‌ها داده شده بود، فراموش کردند (لحظه عذاب فرارسید) و نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم و کسانی را که ستم کردند، به خاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم. هنگامی که در برابر آن چه از آن نهی شده بودند، سرکشی کردند به آن‌ها گفتیم. «به شکل میمون‌هایی طرد شده در آید.

۱۰. ظلم و ستم: وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا.^{۱۰۱} و چه بسیار از پیشینیان شما که به خاطر ظلم کردنشان هلاک کردیم.

۱۱. اختلافات و دوگانگی: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَ يُدْبِقَ بَعْضَكُمْ بِأَسْ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُهُونَ»^{۱۰۲} بگو: او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما عذابی بر شما بفرستد؛ یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند. ببین چگونه آیات گوناگون را (برای آن‌ها) بازگو می‌کنیم، شاید بفهمند (و بازگردند).

۱۲. اِشَاعَهُ دَهْنَدَانِ فَسَادٍ وَ فَحْشَا: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ انْتَمَ لَا تَعْلَمُونَ»^{۱۰۳} کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آن‌ها در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

۱۳. بخل ورزی: وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى. وَ كَذَّبَ بِالْحَسَنَى. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى.^{۱۰۴} اما هرکس بخل ورزید و طلب بی‌نیازی کرد و نیکویی را تکذیب کرد، سپس کار را بر او دشوار می‌کنیم.

۱۴. کفران نعمت: وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَا اللَّهُ لَهَا لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِهَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.^{۱۰۵} منطقه آبادی را که امن و آرام و مطمئن بوده و همواره روزی‌اش به طور وافر از هر مکانی فرا می‌رسیده، اما نعمت خدا را کفران کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را در اندامشان پوشانید.

۱۵. رباخواری: فَيُظَلِّمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَيِّدَهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَ قَدَّحُوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.^{۱۰۶} به خاطر ظلمی که از یهود صادر شد و نیز به خاطر جلوگیری بسیار آن‌ها از راه خدابخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آن‌ها حلال بود، حرام کردیم. / و همچنین به خاطر ربا گرفتن در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال حرام به باطل و برای کافران آن‌ها عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم.

۱۶. خوردن مال مردم: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا.^{۱۰۷} کسانی که اموال یتیم را از روی ظلم و ستم می‌خورند، تنها آتش می‌خورند و به زودی به آتش سوزانی می‌سوزند

یکی از مهم‌ترین مباحثی

که باید مورد اشاره قرار

گیرد، بررسی علل و

عوامل نزول عذاب‌های

الهی است. با تکیه بر آیات

الهی می‌توان به مواردی

اشاره کرد.